

ORIGINAL ARTICLE

The Consequences of the Occupation of Qazvin by the Allies in World War II

Mohammad Bakhtiari

¹Department of history, Faculty of Literature and Humanity Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Correspondence

Mohammad Bakhtiari
Email: bakhtiari@hum.ikiu.ac.ir

How to cite

Bakhtiari, M. (2023-2024). The Consequences of the Occupation of Qazvin by the Allies in World War II, *Iran Local Histories*, 12(1), 1-12.

ABSTRACT

Qazvin is one of the cities that were occupied by the allies in both world wars. During the Second World War, the forces of all three countries, the Soviet Union, the United Kingdom, and the United States, were present in this city, and Qazvin was used as one of the command centers of the Soviet forces and their main base to control the capital. The presence of the allied forces in Qazvin caused many problems for its residents, the effects and signs of which can be seen in the documents and sources left from that era. The purpose of the current research, which is carried out with an analytical method and relying on documents and library sources, is to investigate the situation of Qazvin during World War II and wants to answer the question of what consequences the occupation of Qazvin by the allied forces had for this city and its inhabitants have had. The result of the present research shows that the presence of the Allies in Qazvin, which continued from the first days of their arrival in Iran until the months after the end of the World War, caused insecurity, chaos, murder, looting, theft, famine, high prices, smuggling, There was hoarding, disease, conflict and conflict in Qazvin and its surroundings. Although the situation returned to normal with the end of the war and the withdrawal of the Allies from Iran, some of its consequences such as the formation of the Tudeh party and its interference in internal affairs and its differences with other political groups continued

KEYWORDS

Qazvin, World War II, allied forces, Tudeh party.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

پیامدهای اشغال قزوین توسط متفقین در جنگ جهانی دوم

محمد بختیاری

چکیده

قزوین از جمله شهرهایی است که در هر دو جنگ جهانی مورد اشغال متفقین قرار گرفت. در جنگ جهانی دوم نیروهای هر سه کشور شوروی، بریتانیا و آمریکا در این شهر حضور یافتند و قزوین به عنوان یکی از مراکز فرماندهی نیروهای شوروی و پایگاه اصلی آنها برای کنترل پایتخت مورد استفاده قرار گرفت. حضور نیروهای متفقین در قزوین، مشکلات زیادی را برای ساکنان آن به وجود آورد که آثار و نشانه‌های آن در اسناد و منابع تاریخی قابل مشاهده است. هدف پژوهش حاضر که با روش تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام می‌شود بررسی وضعیت قزوین در جنگ جهانی دوم است و می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که اشغال قزوین توسط نیروهای متفقین چه پیامدهایی را برای این شهر و ساکنان آن داشته است؟ نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد حضور متفقین در قزوین که از اولین روزهای ورودشان به ایران تا ماه‌های بعد از اتمام جنگ جهانی ادامه یافت، سبب بروز ناامنی، هرج و مرج، قتل، غارت، دزدی، قحطی، گرانی، قاچاق، احتکار، بیماری، اختلاف و درگیری در قزوین و اطراف آن شد. هر چند با اتمام جنگ و خروج متفقین از ایران وضعیت در ظاهر به حالت عادی برگشت، اما برخی از پیامدهای آن همچون تشکیل حزب توده و دخالت‌های آن در امور داخلی و اختلافاتش با گروه‌های دیگر سیاسی همچنان ادامه یافت.

واژه‌های کلیدی

قزوین، جنگ جهانی دوم، نیروهای متفقین، حزب توده.

^۱گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد بختیاری

رایانامه: bakhtiari@hum.ikiu.ac.ir

استناد به این مقاله:

بختیاری، محمد (۱۴۰۲). پیامدهای اشغال قزوین توسط متفقین در جنگ جهانی دوم. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.

مقدمه

قزوین به دلیل قرار گرفتن در مسیر ارتباطی تهران به آذربایجان و شمال ایران و از آن طریق به روسیه و اروپا و همچنین نزدیکی به پایتخت، از موقعیت و اهمیت خاصی در تاریخ معاصر ایران برخوردار بوده است طوری که در بسیاری از حوادث مهم تاریخی، قزوین به عنوان پایگاه یا پل ارتباطی، نقش مهمی ایفا کرده است. از جمله در قضیه فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضاخان، اشغال ایران در جنگ جهانی اول و دوم از سوی متفقین و استعفای اجباری رضاشاه در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ که به دنبال حرکت نیروهای شوروی از قزوین به سمت تهران اتفاق افتاد. در جنگ جهانی دوم قزوین نه تنها به مرکز فرماندهی و پایگاه اصلی روس‌ها برای کنترل پایتخت تبدیل شد، بلکه از معدود شهرهایی بود که در آن نیروهای اشغالگر هر سه کشور شوروی، انگلیس و آمریکا حضور داشتند و همین موضوع بر اهمیت، حساسیت و تأثیرپذیری این شهر از حوادث جنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی افزوده است. بنابراین، وضعیت قزوین در زمان حضور متفقین در این شهر و پیامدهای اشغال آن بر زندگی مردم موضوع بسیار مهمی است که نیاز به تحقیق و بررسی دقیق و علمی دارد. اما این موضوع علی‌رغم چنین اهمیتی، چندان مورد توجه پژوهشگران تاریخی قرار نگرفته و به جز یکی دو مقاله، تحقیق جدی در این مورد انجام نشده است. مقاله «بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳» نوشته محسن بهشتی‌سرشت، محمد محمدپور و غلامرضا یوسفی رامندی (۱۳۹۰)، از معدود تحقیقاتی است که به یکی از پیامدهای اشغال قزوین، یعنی بحران نان پرداخته، اما در مورد سایر پیامدها توضیحی نداده است. «قزوین در اشغال متفقین» گاه‌نوشته‌های یک روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران به نام محمدحسن سلیمانی است که در آن به برخی از رویدادهای قزوین و مشکلات مردم این شهر در زمان حضور متفقین اشاره کرده است، اما از آنجا که تنها منبع او، نمونه‌هایی از اسناد باقی مانده از آن دوران است، مسائل به صورت ناقص بیان شده و خیلی از موضوعات مهم مورد توجه قرار نگرفته است. در آثاری مانند مینودر یا باب‌الجنه قزوین نوشته محمدعلی گلریز و تحقیقات دیگر نیز، مطالبی کلی و پراکنده در مورد وضعیت قزوین در جنگ جهانی دوم نوشته شده است. در حالی که در مورد وضعیت قزوین در آن دوره اسناد و منابع فراوانی وجود دارد در این مقاله تلاش بر آن است که با

استفاده از این اسناد و مدارک و با رویکرد تحلیلی، پژوهش جامع و دقیقی در مورد پیامدهای اشغال قزوین در جنگ جهانی دوم صورت گیرد و خلاء تحقیقاتی موجود در این زمینه تکمیل شود.

۱- اشغال قزوین در جنگ جهانی دوم

در اولین روز حمله متفقین به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ قزوین از جمله شهرهایی بود که از سوی هواپیماهای شوروی بمباران شد (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۶۱). در همان روز ارتش شوروی از سه جهت و در سه ستون وارد خاک ایران شد. ستون اول از محور جلفا به سمت تبریز، ستون دوم از آستارا به طرف بندر پهلوی (انزلی کنونی) و رشت و ستون سوم از مرزهای شمال شرقی ایران به سمت خراسان حرکت کرد. در روز هفتم شهریور ارتش چهل و چهارم شوروی که از سمت رشت حرکت کرده و از کوه‌های البرز گذشته بود، وارد قزوین شد. در همان زمان از سمت شمال غرب، واحد جلودار ارتش چهل و هفت وارد شهر شد و به همتایان خود پیوست. ژنرال واسیلی ایوانوویچ نوویکوف^۱ مرکز ستاد خود را در گراند هتل قزوین قرار داد (استوارت، ۱۳۷۰: ۲۹۸). همزمان با ورود نیروهای شوروی به ایران، انگلیسی‌ها نیز در دو جبهه، از مرزهای ایران گذشتند. یک ستون از خاک عراق به ناحیه جنوب غربی خوزستان حمله کرد و ستون دیگر به فرمندی ژنرال ویلیام جوزف اسلیم^۲ از راه قصرشیرین وارد ایران شد و از طریق کرمانشاه و همدان به سمت قزوین حرکت کرد تا به قوای شوروی پیوسته و متفقاً به سمت تهران حرکت کنند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۴۵). نیروهای انگلیسی در مسیر حرکت به قزوین از کنار مردمی وحشت‌زده که با پای پیاده یا سوار بر چهارپایان فرار می‌کردند، گذشتند و در نهم شهریور وارد این شهر شدند و به نیروهای شوروی پیوستند (استوارت، ۱۳۷۰: ۳۰۸).

دولت ایران در ۶ شهریور ۱۳۲۰ تصمیم به ترک مقاومت گرفت و دو روز بعد یادداشت سفارت شوروی و انگلیس مبنی بر تعیین حدود عملیات متفقین در ایران و زمینه‌های همکاری را دریافت کرد. در یکی از بندهای یادداشت شوروی، از ایران خواسته شده بود که از اشنویه، حیدرآباد، میلندوب، زنجان، قزوین، خرم‌آباد، بلبل، زیرآب، سمنان، شاهرود و علی‌آباد عقب‌نشینی کند و آن قسمت در اختیار نیروهای شوروی باشد. دولت ایران ضمن قبول کلیات خواسته‌های متفقین، خواستار برخی تغییرات و اصلاحات شد. یکی از تقاضاهای ایران این بود که شهرهای قزوین، سمنان و شاهرود در محدوده

عمارت مسکونی شهرداری را از شهریور ۱۳۲۰ و قسمت شرقی آن را از بهمن ۱۳۲۲ تصرف می‌کنند و تا ۸ آبان ۱۳۲۳ که تاریخ ارسال نامه است، هیچ مبلغی را پرداخت نمی‌کنند در حالی که مال‌الاجاره آن ماهیانه ۱۰۰۰۰ ریال می‌شد. در مورد دیگری عمارت بیمارستان ۵۰ تختخوابی و محوطه باغ فردوس را که متعلق به شهرداری بوده، از شهریور ۱۳۲۰ به مدت یک سال و مجدداً از آبان ۱۳۲۳ تصرف می‌کنند اما نه تنها اجاره‌بهای آن که ماهیانه ۱۲۰۰۰ ریال می‌شد، هیچ مبلغی را پرداخت نمی‌کنند، بلکه در و پنجره و اشجار آن را از بین برده و در حدود ۵۰۰۰۰۰ ریال خسارت می‌زنند. در نمونه دیگری، عمارت رختشویخانه جنوب شهر را از مرداد ۱۳۲۲ تصرف می‌کنند و بابت اجاره ماهیانه ۱۰۰۰ دیناری و خسارت آن پولی را پرداخت نمی‌کنند (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۳۴۱). علاوه بر اینها، در یک مورد دیگری مربوط به تصرف و تخریب عمارت دادگستری، نامه‌ای از طرف رئیس دادگستری به فرمانداری قزوین موجود هست با این مضمون: «عمارت مسکونی دادگستری قزوین را که ارتش شوروی اشغال نموده بود مقدار زیادی درب و پنجره و شیشه آن را برده و بقیه را نیز خواهند برد، متمنی است به وسایل مقتضی اقدام و جلوگیری نمایند.» (ساکما، ش ۲۹۳/۱۱۸۰۴۵، ۱۳۲۰/۱۰/۶: ص ۱۰) بعداً در نامه‌ای از طرف رئیس شهرداری راجع به موضوع ساختمان دادگستری آمده است: «با حضور رئیس دادگستری بازدید شد چیزی باقی نمانده که بعداً جلوگیری شود.» (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۰۴۵: ۱۴) یعنی متفقین نه تنها ساختمان‌ها را تصرف می‌کردند و مبلغی را بابت این موضوع هزینه نمی‌کردند، بلکه در زمان رفتن، در و پنجره و دیگر وسایل آن را غارت می‌کردند و خسارتی زیادی را به آنها وارد می‌آوردند. علاوه بر ساختمان‌های دولتی، منازل مسکونی زیادی نیز از طرف نیروهای شوروی غصب و به چنان سرنوشتی دچار شد. در یک نمونه، یک بچه دوازده‌ساله که ساختمانی را از پدرش به ارث برده و با مال‌الاجاره آن که از وزارت دارایی می‌گرفت، به همراه مادرش امرار معاش می‌کرد، به وزارت خارجه می‌نویسد که با ورود ارتش سرخ، این ساختمان هم مانند عمارات سایر ادارات دولتی به تصرف نیروهای شوروی درآمده و آنها نه تنها اجاره ماهیانه آن را که بالغ بر ۵۰۰ ریال بوده، پرداخت نکردند، بلکه با بیرون آوردن تمام در و پنجره و شیشه‌های آن، مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال خسارت زده‌اند. اما او در مراجعه به فرماندار و روسای ارتش سرخ و سفارت شوروی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده و برای گرفتن حقیقت به وزارت خارجه پناه می‌آورد (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۳). همه

نیروهای اشغالی شوروی قرار نگیرد. اما این تقاضا مورد موافقت قرار نگرفت و قزوین همچنان در اشغال متفقین باقی ماند (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۸۹ و ۱۰۵).

علاوه بر روس‌ها و انگلیسی‌ها، نیروهای آمریکایی نیز از اوایل سال ۱۳۲۱ وارد ایران شدند و تعدادی از آنها در اردوگاه مفصلی که در چهار کیلومتری جنوب قزوین ساخته بودند، مستقر شدند و حدود سه سال به حضور اشغالگرانه خود در قزوین ادامه دادند تا اینکه در اسفند ۱۳۲۳ با واگذاری تمام قسمت‌ها و تجهیزات اردوگاه به روس‌ها، به تدریج قزوین را ترک کردند و به همدان رفتند (ساکما، ش ۲۹۳/۰۰۳۴۹۷، ۱۳۲۳/۱۲/۱۷: ص ۲). اما نیروهای شوروی نه تنها تا پایان جنگ جهانی در قزوین باقی ماندند، بلکه بعد از آن نیز با ایجاد بحران‌هایی در آذربایجان و کردستان، بر تعداد نفرات خود در قزوین افزودند (ایران در بحران، ۱۳۷۹: ۲۸۶ و ۲۹۴) و در ۲۹ آبان ۱۳۲۴ جلوی نیروهای دولتی اعزامی به آذربایجان را در شریف‌آباد قزوین گرفتند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۳۳۹/۴). اما در نهایت با مذاکرات قوام‌السلطنه با استالین و فشارهای بین‌المللی، در اوایل سال ۱۳۲۵ مجبور به ترک شهرهای ایران از جمله قزوین شدند.

۲- پیامدهای اشغال قزوین توسط متفقین

حضور طولانی نیروهای اشغالگر متفقین در قزوین پیامدهای ناگواری را در حوزه‌های مختلف به دنبال داشت که بخشی از آنها با تخلیه این شهر رفع شد اما برخی دیگر تا مدت‌ها بعد آثار زیانبارش را به دنبال داشت.

۲-۱. تصرف و تخریب ساختمان‌های دولتی و منازل مسکونی کشورهای متفقین برای اسکان نیروهای خود در قزوین به ساختمان‌هایی نیاز داشتند که یا باید خودشان آنها را می‌ساختند یا اینکه از بناهای موجود استفاده می‌کردند. آنها که زمان کافی برای ساختن بناهای جدید و تمایلی برای صرف هزینه از خزانه خود را نداشتند، به تصرف ساختمان‌های دولتی و منازل مسکونی روی آوردند. اما برای اینکه عمل آنها جنبه عدوانی و اشغالگرانه نداشته باشد، این ساختمان‌ها را به عنوان اجاره تحت کنترل درآوردند، اما در عمل خلاف وعده کردند و پولی را بابت مال‌الاجاره پرداخت نکردند. گیاثوند شهردار قزوین در یک گزارشی به وزارت کشور به نمونه‌هایی از تصرف ساختمان‌های دولتی و نحوه برخورد شوروی‌ها اشاره می‌کند (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۳). بر اساس این گزارش، ارتش سرخ قسمت غربی

مرکزی عنوان کرده‌اند که نیروهای آمریکایی در زمین‌های کشت شده و کشت نشده آنها چادر زده‌اند و بالغ بر دو میلیون و چهارصد هزار ریال خسارت وارد کرده‌اند. آنها همچنین آب قنات را به وسیله موتور برای ساختمان‌های خود برده و برای تأمین آجر درصدد حفر چاه هستند که طبعاً باعث تفریط آب و محصول کشاورزان خواهد شد (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۰: ۳۸۹؛ گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۹۳). در واکنش به این شکایات، سفارت آمریکا در ابتدا اظهار می‌دارد که چادر زدن نیروهای آمریکا در اراضی چوبیندر بر حسب موافقت شوروی که در آن حدود نظارت دارند، بوده است (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۰: ۴۳۲). اما بعد از اینکه وزارت خارجه ایران چندین بار در این خصوص با سفارت آمریکا مکاتبه کرد، این بار جواب دادند که: «طبق نامه فرماندهی کل ارتش آمریکا در ایران بنا بر تحقیقات معموله تاکنون بر مقامات آمریکایی معلوم نشده است چه اشخاصی صاحب اراضی مزبور بوده و خسارات بر آنها تعلق می‌گیرد.» (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۹۴). در موارد دیگر نیز معمولاً چنین پاسخ‌های نامناسب از طرف متفقینی که زمین و منابع آبی مردم را اشغال کرده بودند، داده می‌شد و نتیجه شکایات به سرانجام عادلانه‌ای منتهی نمی‌شد، زیرا که متفقین قدرت داشتند و زیر بار هیچ نوع مسئولیتی نمی‌رفتند.

۲-۳. دخالت متفقین در امور اداری و انتظامی شهر

با ورود متفقین به قزوین، نظم و ترتیب امور اداری و انتظامی شهر کاملاً از هم گسیخته شد. فرماندار رشت در شهریور ۱۳۲۰ در گزارش خود درباره گیلان و مناطق سر راهش به تهران می‌نویسد: «وضعیت قزوین را خیلی خراب دیدم. روس‌ها تمام ادارات و فرمانداری را اشغال کرده‌اند...» (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۱۱۴). در این زمان نیروهای شهرداری و ژلندارمری فرار کرده یا خلع سلاح شده بودند و نظم عمومی بهم ریخته بود. وزیر دارایی در مسافرت خود به شمال، در مورد وضعیت قزوین چنین گزارش داد: «امنیت شهر به واسطه کمی پاسبان و امکان گذاردن پست گشتی در شب رضایت‌بخش نیست.» (ساکما، ش ۱۶۶۸۳/۳۱۰، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷: ص ۴۹). البته پاسبان‌های موجود نیز سلاحی برای برقراری نظم نداشتند. لذا، عده‌ای از مردم از شرایط موجود سوءاستفاده کرده و نه تنها عوارض شهرداری و دارایی را پرداخت نمی‌کردند، بلکه در موارد متعددی مأمورین و پاسبان‌ها را کتک می‌زدند (ساکما، ش ۱۶۶۸۳/۳۱۰، ۱۳۲۰/۸/۳: ص ۴ و ۱۳۲۰/۸/۱۴: ص ۱۲). با این حال، سفیر شوروی انتظار داشت که

این متصرفات عدوانی و تخریب‌ها غیر از خسارتی بود که در زمان اشغال قزوین و بمباران آن از سوی هواپیماهای شوروی انجام شد و غرامت آن داده نشد. در یک مورد، خانه سه طبقه‌ای یک پایور اداره کل شهرداری در اثر بمباران کاملاً تخریب شد و چهار نفر از اعضای خانواده‌اش مقتول و سه نفر مجروح شدند، اما مسیبان اصلی حادثه، یعنی شوروی‌ها هیچ غرامتی را نپرداختند (ساکما، ش ۱۶۶۷۰/۳۱۰، ۱۳۲۱/۷/۱۴: ص ۳).

۲-۲. تصرف و بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و آب

متفقین علاوه بر غصب و سوءاستفاده از اماکن عمومی و خصوصی، زمین‌های کشاورزی اطراف قزوین و روستاهای آن را نیز برای اسکان نیروها و کشت صیفی‌جات تصرف کردند و منابع آبی آنها را تحت کنترل و بهره‌برداری خود درآوردند که نتیجه‌اش، خسارات فوق‌العاده به محصول و کمبود آب مورد نیاز برای ساکنان منطقه بود. اهالی قریه آوج خرقان در نامه‌ای به فرماندار قزوین می‌نویسند که قسمت عمده اراضی زراعتی آنان را از پارسال آمریکایی‌ها گرفته و برای خودشان ساختمان ساخته‌اند و «از دو رشته آب مشروب، یکی آب کهریز که آمریکایی‌ها جلوی آن را سد بسته و موتور گذاشته به وسیله لوله به ساختمان‌ها می‌برند و رشته دیگر آب رودخانه سلطان‌بلاغ است که جلوی آن را گرفته، هر روز به وسیله ماشین‌های آب‌پاش سرتاسر جاده از سلطان‌بلاغ تا آوج را که یک فرسخ راه است، آب‌پاشی بلکه آبیاری می‌کنند، هر دو رشته قطع، با این خشکسالی محصول آبی و صیفی‌جات بیچارگان خشک شده است.» (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۳۰۷). در سند دیگری بر تصرف حدود چهارصد هزار زرع اراضی در حومه شمال و جنوب قزوین توسط شوروی‌ها اشاره شده که در آن صیفی‌کاری انجام داده‌اند. بر طبق گزارش فرماندار قزوین، با صاحبان تعدادی از اراضی قرارداد بسته شده که برای هر ده هزار زرع سالانه پانصد الی ششصد ریال پرداخت شود و با دیگران نیز در شرف بستن قرارداد هستند (ساکما، ش ۱۶۶۷۰/۲۹۰/۰۸۲۷۰، ۱۳۲۴/۱/۱۱: ص ۶۷). هر چند درباره این قراردادها و نتایج آنها سندی در دست نیست، اما شوروی‌ها در دیگر موارد مشابه نشان داده بودند که معمولاً طبق قرارداد عمل نمی‌کردند و به بهانه‌های مختلف یا با زور از پرداخت آن طفره می‌رفتند.

در مورد تصرف و بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و منابع آبی، شاید بیشترین اسناد مربوط به روستای چوبیندر در جنوب قزوین باشد که آمریکایی‌ها آنجا را محل اردوی خود قرار داده بودند. اهالی این روستا در نامه‌های خود به مسئولان محلی و

۲۹۳/۰۰۳۴۸۴: ش ساکما، ۱۰ ص: ۱۳۲۰/۱۲/۹: ۲۹۳/۰۰۳۵۰۲، ۱۳۲۳/۱۲/۶: ص ۷: ساکما، ۰۰۴۲۹۸ / ۰۰۳۲۴/۲/۱۷: ص ۸: گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۹: (۱۲۱-۱۲۳). آنها حتی کار را به جایی رسانده بودند که بدون هیچ دلیل و مدرکی، منزل مسکونی رئیس امنیه قزوین را نیز تفتیش می‌کردند. در این باره شهربانی قزوین در گزارشی به شهربانی کل می‌نویسد: «ساعت ۲۳ روز ۷ جاری ستوان یکم تومارفسکی معاون کماندان شوروی با شش نفر سرباز مسلح از دیوار منزل شامبیاتی فرمانده امنیه وارد کلیه اماکن و نقاطی که زن و بچه استراحت کرده بودند بازرسی بدون تعیین علت و اخذ نتیجه خارج شده‌اند.» (ساکما، ش ۲۹۳/۰۰۳۵۶۲، ۱۳۲۱/۵/۸: ص ۱۰). این گزارش‌ها و اسناد نشان می‌دهند که شوروی‌ها خودشان را حاکم مطلق قزوین می‌دانستند و در همه امور دخالت داشتند و می‌خواستند تمام امور تحت کنترل آنها باشد و طبق خواست آنها پیش بروند.

۴-۲. ایجاد مزاحمت و شرارت توسط نیروهای متفقین

متفقین که خود را حاکم بلامنازع مناطق اشغالی ایران از جمله قزوین می‌دانستند، از ارتکاب هیچ نوع جرم و جنایتی ابا نداشتند و خود را در برابر ایرانیان پاس‌خگو نمی‌دانستند و به بهانه‌های مختلف از پذیرش هر نوع مسئولیتی طفره می‌رفتند. رئیس اداره کل شهربانی در گزارشی مربوط به مزاحمت و شرارت سربازان آمریکایی در قزوین می‌نویسد: «با اینکه اردوگاه نیروی آمریکا در چهار کیلومتری شهر، نزدیکی دهکده سلطان آباد خط همدان می‌باشد، شب و روز عده زیادی از سربازان آمریکایی در داخله شهر علناً در محلات و خیابان‌ها با استعمال نوشابه مرتکب شرارت و مزاحم عابرین می‌شوند و حتی نسبت به بانوان در انظار اهالی و ارتش سرخ حرکات ناشایسته می‌نمایند و اغلب داخل خانه‌های مردم شده، باعث زحمت و وحشت خانواده اشخاص می‌گردند.» او در ادامه گزارش اعلام می‌کند که با فرمانده آمریکایی‌ها مذاکره کرده و او وعده جلوگیری داده، اما باز رفتار زشت سربازان مزبور تغییری نکرده، بلکه بر تخریب آنها افزوده شده است (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۹: ۲۰۶). چنین اعمال شرارت‌آمیزی، از سوی سربازان شوروی که در شهر حضور داشتند و در تماس دائم با مردم بودند، بیشتر اتفاق می‌افتاد اما آنها نیز همانند همکاران آمریکایی و انگلیسی خود از پذیرش مسئولیت وقایع، تنبیه مجرمان و جبران خسارت طفره می‌رفتند. مثلاً در یک مورد فرماندار قزوین گزارش می‌دهد که سربازان شوروی در حال مستی، رمضان مشروب فروش را با تیر کشتند اما سفیر

انتظام راه‌ها باید به وسیله مأموران امنیه و شهرها به وسیله پاسبانان شهربانی حفظ و تأمین شود (ساکما، ش ۲۹۰/۰۰۸۲۷۶، ۱۳۲۸/۸/۷: ص ۲۱). و از اینکه رئیس شهربانی قزوین در تعقیب دزدان کالاهای ترانزیتی شوروی‌ها تعلل کرده، درخواست عزل او را مطرح می‌کند. البته طرح این موضوع، بهانه‌ای بود که بتولند رئیس شهربانی را عزل و فرد مورد نظر خود را روی کار آورد. در نهایت هم موفق به انجام این کار شد. معاون کل وزارت امور خارجه در نامه‌ای به وزارت کشور در این باره می‌نویسد: «کماندانی شوروی در قزوین با آقای فرماندار مذاکره کرده و جریان قضایا را اطلاع داده و تقاضای تغییر رئیس شهربانی قزوین را نموده است لذا سفارت نیز تقاضای کماندانی شوروی را تأیید و تغییر نامبرده را خواستار است. مراتب حضوراً به جناب آقای نخست‌وزیر عرض شد، فرمودند به شهربانی کل نوشته شود فوری اقدام نمایند.» (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۵۷۸). در نمونه دیگری، رئیس شهربانی قزوین گزارش می‌دهد که رئیس پادگان مرکزی شوروی او را احضار کرده و با تشدد زیاد اظهار کرده که به گفته رادیو، ظاهراً در تهران یک فرماندار جدیدی برای قزوین انتخاب کرده‌اند، در حالی که فرماندار قبلی آدم صحیحی بوده و با ما خوب رفتار کرده و نباید تغییر کند. بر طبق این گزارش، رئیس پادگان تهدید می‌کند که «اگر آن فرمانداری که دیشب در رادیو گفته شده به قزوین وارد شود با او یک معامله‌های دیگر خواهیم کرد.» (ساکما، ش ۲۹۰/۰۰۳۱۸۴، ۱۳۲۰/۶/۲۱: ص ۴). موارد مزبور، میزان دخالت شوروی‌ها در عزل و نصب افراد مورد نظر و امور اداری و انتظامی شهر را به خوبی نشان می‌دهند. آنها به این حد قانع نبودند و انتظار داشتند که شهربانی و ژاندارمری همه روزه چهار موضوع را به آنها گزارش دهند: ۱- کلیه سرقت‌های مسلحانه و غیره واقعه در داخل و خارج شهر؛ ۲- تعیین و معرفی اشخاصی که اقدام و اظهاراتی به منظور اختلال و برهم زدن روابط حسنه بین دولت شوروی و ایران نمایند؛ ۳- کلیه اتفاقات که برای نیروهای شوروی و آمریکایی در شهر و خارج رخ می‌دهد و ۴- تعیین ورود و خروج و اقامت کلیه اشخاص خارجی (ساکما، ش ۰۰۴۶۱۵: ۲۹۳، بی‌تا: ص ۳) در حالی که طبق ساختار اداری، این گزارش‌ها تنها باید به فرمانداری و وزارت کشور داده می‌شد.

علاوه بر موارد مزبور، شوروی‌ها در بازرسی اماکن عمومی و منازل مسکونی، کنترل رفت و آمد مسافران و نیروهای نظامی از مرکز به آذربایجان و شمال ایران و بالعکس، برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس، برگزاری برنامه‌های سیاسی و فرهنگی و تغییر تابلو اماکن عمومی به زبان بیگانه دخلت داشتند (ساکما، ش

اتفاق می‌افتاد طوری که در گزارش نایب کنسولگری قزوین نیز به دو مورد از آنها اشاره شده است (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۹: ۳۳۹). علاوه بر این، در اسناد و گزارش‌های متعددی به یک مزاحمت دیگری از سوی نیروهای شوروی اشاره شده و آن حوادث رانندگی است که به خاطر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی سربازان شوروی رخ می‌داد و باعث کشته و مجروح شدن عده زیادی می‌شد. موضوعی که بارها از سوی مسئولان ایرانی به شوروی‌ها اطلاع داده شد، اما آنها همچون سایر موارد، ترتیب اثری به این مسأله ندادند و به اعمال مجرمانه خود ادامه دادند (ساکما، ش ۳۱۰/۰۰۹۹۰۲، ۳۱۰/۱۱/۱۸: ۴۵۵).

۵-۲. ناامنی، قتل، غارت و دزدی

اشغال قزوین از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم سبب بروز مشکلات فراوانی در شهر و روستاهای اطراف آن شد. در گزارشی مربوط به اواسط شهریور ۱۳۲۰ که هنوز رضاشاه در رأس قدرت بود، آمده است: «فرماندار و رئیس اداره شهرداری و امنیه و شهرداری متواری و متلاشی سایر دوایر تعطیل و مختل عموم اهالی منتهی درجه پریشان و نگران [هستند]...» (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳۱۰/۱۶/۱۶: ۱۳۲۰/۶/۱۶، ص ۱). در چنین شرایط آشفته‌ای، قتل، غارت، دزدی و جرم و جنایت به وقایع روزانه تبدیل شده بود و عده‌ای از اشرار و اراذل و اوباش با سوءاستفاده از وضعیت ناامن موجود، شروع به شرارت و جنایت کرده بودند. در اسناد باقی مانده از آن دوره نمونه‌های متعددی از غارت و دزدی دیده می‌شود که عمدتاً به دلیل فقدان نیروی امنیه کافی از یک سو و فقر و تنگدستی مردم از سوی دیگر بود که هر دو مورد نتیجه اشغال شهر توسط متفقین بود (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۱۵۷-۱۵۸). در گزارشی از قزوین مربوط به آذر ۱۳۲۰ آمده است که در پشت اداره شهرداری چند نفر به عبدالکریم کوره‌پز حمله کرده و هفتصد ریال اسکناس او را برده‌اند (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳۱۰/۱۹/۱۹: ۱۳۲۰/۹/۱۹، ص ۳۴). در گزارش دیگری مربوط به همین ماه، زده‌ها به اتاق مبادلات پست قزوین وارد شده و مقداری زیادی پول، تمبر و اسباب متفرقه دزدیده‌اند (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳۱۰/۱۲/۱۲: ۱۳۲۰/۹/۱۲، ص ۲۸). بسیاری از این اتفاقات به دلیل کمبود پاسبان و مسلح نبودن آنها اتفاق می‌افتاد طوری که فرماندار قزوین چندی قبل از آن از وزارت کشور تقاضا می‌کند پنجاه نفر امنیه مسلح از مرکز موقتاً اعزام دارند که در دستگیری و قلع و قمع زده‌ها اقدام کنند (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳۱۰/۸/۱۱: ۱۳۲۰/۸/۱۱، ص ۱۴). علاوه بر شهرها، روستاها را نیز با مشکل اساسی ناامنی

شوروی در جواب مکاتبات وزارت خارجه ایران اعلام می‌کند «طبق اطلاعی که به او رسیده سربازان شوروی مرتکب چنین قتلی نگردیده و اتهام منتسب به سربازان شوروی راجع به قتل رمضان نامبرده حقیقت و صحت ندارد.» (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۵). انکار سفیر شوروی در حالی بود که سربازان شوروی دستگیر و در کماندانی توقیف بودند و مازور کاسپاراف مأمور سیاسی ارتش سرخ در کنار فرماندار، رئیس دادگستری، دادستان و کفیل شهربانی قزوین سر صحنه جرم حاضر شده و جنازه را معاینه کرده بودند و پوکه فشنگ مربوط به طپانچه نوغان ساخت کارخانجات شوروی تشخیص داده شده بود (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۶). در ارتکاب چنین جنایاتی، نیروهای انگلیسی یا سربازان هندی تحت فرمان آنها نیز از دیگر همکاران متفق خود عقب نمی‌مانند. مثلاً در یک مورد سیمپان شرکت تلفن در حین مأموریت و تعمیر سیم‌ها در اثر تیراندازی سربازان هندی مقتول شد. اما سفارت انگلیس نه تنها این موضوع را تکذیب کرد بلکه سیمپان را به دزدی متهم کرد و نوشت: «واضح است که در آن موقع مشارالیه مشغول انجام کار مشروع خود که سیمبانی باشد، نبوده است. عمل گشتی کاملاً به مورد بوده است و سفارت کبری نمی‌تواند هیچ‌گونه مسئولیتی را نسبت به فوت شخص مذکور بپذیرد.» سفیر انگلیس در ادامه با لحنی آمرانه از وزارت خارجه ایران می‌خواهد که خبر مربوط به قتل سیمپان قزوینی که در روزنامه‌ها منتشر شده، مطابق نظر آنها تکذیب شود (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۵؛ اطلاعات، ش ۵۵۳۹، ۱۳۲۳/۵/۲۳: ۴).

از دیگر مزاحمت‌ها و جنایت‌های متفقین در قزوین می‌توان به اخاذی و زورگیری آنها از مردم اشاره کرد. در یک مورد، شخصی به نام محمدقلی اعتمادی اظهار می‌دارد که نیروهای شوروی ۴۷۵۰ ریال در راه قزوین از جیب او بیرون آورده‌اند. اما سفارت شوروی در پاسخ به مکاتبات وزارت خارجه ایران می‌نویسد که چون اعتمادی نتوانسته مشخصات سربازی را که پول را از او گرفته یا مشخصات اتومبیل را بدهد، آنها هیچ‌گونه ترتیب اثری به مندرجات دادخواست نامبرده نمی‌دهند (ساکما، ش ۳۱۰/۰۰۹۹۰۲، ۳۱۰/۱۲/۲: ۱۳۲۰/۱۲/۲، ص ۴). در نهایت نخست‌وزیر به وزیر کشور دستور می‌دهد که به موضوع رسیدگی نموده و در صورت صحت اظهارات اعتمادی از محل عطایای ملوکانه به او کمک کنند (ساکما، ش ۳۱۰/۰۰۹۹۰۲، ۳۱۰/۱۱/۱۸: ۳۲۱/۱۱/۱۸، ص ۵). چنین اخاذی‌های مسلحانه‌ای از سوی نیروهای شوروی به وفور

مواجه بودند. چنانچه در یک گزارشی مربوط به پاییز ۱۳۲۰ آمده است: «در اثر نبودن پاسگاه امنیه در آوج و قرخ بلاغ در غالب دهات بخش آوج اغتشاش اهالی از بیم سارقین شبها در زحمت هر شب نیز سرقتی می‌شود به طوری که از معدن نمک خرقان گزارش بخشداری می‌دهند در سه شب قبل سه هزار هشتصد پنجاه ریال پول و قریب پنج هزار ریال لثایه سرقت کردند و از قرار مذکور هر شب دزدهای مسلح به قریه منصور می‌آیند.» (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۱۳/۸/۱۳۲۰: ص ۱۳). البته برخی از روستاییان خودشان نیز از این وضعیت فقدان پاسبان سوءاستفاده کرده و از دادن عوارض امتناع می‌کردند. در یک مورد، عده‌ای از رعایای تاکستان که برای شکایت از تعدیات مباشر به شهر قزوین آمده بودند، درب دکان عطاری مقابل شهربانی را شکسته و قریب بیست هزار ریال اجناس و نقد می‌دزدند (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳/۸/۱۳۲۰: ص ۹). این وضعیت نه تنها به خاطر فقدان پاسبان و نیروی امنیه کافی به وجود آمده بود که در گزارش وزیر دارایی هم به آن تأکید شده، بلکه برخی از همین نیروهای موجود هم خودشان شریک دزد و رفیق قافله بودند و به جای محافظت از جان و مال مردم و برقراری امنیت و آسایش آنها، در غارت و باجگیری از مردم، همچون دزدان عمل می‌کردند. در گزارش تلگرامی از قزوین، به سه پاسبانی اشاره شده که با لباس شخصی و بوسیله چاقو به یک فردی به نام رحیم حمله کرده و مبلغ پانصد ریال از او دزدیده‌اند (ساکما، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۳/۸/۱۳۲۰: ص ۲۴).

هر چند در سال‌های بعد با افزایش نیروهای امنیه و تسلط نسبی دولت بر اوضاع و همچنین برطرف شدن آثار قحطی و خشکسالی، از میزان ناامنی‌ها و دزدی‌ها کاسته شد، اما همچنان مواردی از این قبیل اتفاقات توسط افراد داخلی یا نیروهای متفقین رخ می‌داد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۴/۲۷۰؛ اطلاعات، ش ۵۶۲۴، ۴/۹/۱۳۲۳: ص ۴).

در کنار غارت‌ها و دزدی‌ها، شرارت دیگری که در آن زمان به وجود آمده بود، پیااله فروشی، مستی و عربده‌کشی بود (اطلاعات، ش ۵۰۳۰، ۲۹/۷/۱۳۲۱: ص ۱). روزنامه اطلاعات در گزارشی راجع به این موضوع می‌نویسد: «چندی است چاقو‌کشی در قزوین شیوع یافته است. در هفته اقلادو سه بار این حادثه پیش می‌آید و محرک عمده این جنایات مغازه‌های پیااله‌فروشی است.» (اطلاعات، ش ۵۲۲۵، ۲۸/۴/۱۳۲۲: ص ۳).

۲-۶. احتکار و قاچاق کالا

در زمان بروز بحران‌ها و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مانند جنگ و تحریم، عده‌ای افراد سودجو درصدد سوءاستفاده از

وضع موجود برمی‌آیند و بدون در نظر گرفتن مشکلات مردم و مصالح ملی، تنها به سود شخصی می‌اندیشند و با اقدامات سودجویانه خود بر سختی و پیچیدگی اوضاع می‌افزایند. دلالتان و محتکران و قاچاقچیان از این قماش‌اند. این افراد در جنگ جهانی دوم نیز زمینه را برای سودجویی خود فراهم دیدند و با احتکار و قاچاق کالاهای اساسی، سبب بروز قحطی و گرانی ارزاق عمومی شدند و مردم را با مصائب و مشکلات فراوانی مواجه ساختند. در قزوین از همان ماه‌های شروع جنگ، عده‌ای از بازرگانان همه روزه گندم و خواربار مورد احتیاج اهالی این شهرستان را خریداری و به خارج حمل نمودند و با اینکه اهالی به فرماندار و وزارت کشور نامه نوشتند که ابتدا احتیاجات اهالی از هر جهت تأمین و مازاد گندم و خواربار به خارج حمل شود، اما نه تنها هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد (اطلاعات، ش ۴۷۲۴، ۱۰/۹/۱۳۲۰: ص ۱). بلکه در ماه‌های بعد محتکرین کالاهای دیگری همچون سیگار را هم احتکار و به قیمت دلخواه فروختند یا به خارج از شهرستان انتقال دادند (اطلاعات، ش ۴۹۰۶، ۲۲/۳/۱۳۲۱: ص ۱). احتکار و قاچاق گندم و خواربار سبب کمبود و گرانی کالاها و کاهش کیفیت نان شد. در گزارشی مربوط به وضعیت نان قزوین آمده است: «به همان نسبت که گندم ترقی می‌نماید نان نیز مرتباً همه هفته ترقی می‌کند... تا موقعی که گندم را از قزوین به خارج نمی‌فرستادند نان‌های قزوین خوب بود ولی یکی دو هفته است که خراب و مواد خارجی دارد.» (اطلاعات، ش ۴۹۵۴، ۵/۹/۱۳۲۱: ص ۴). نتایج احتکار و قاچاق گندم در سال کم‌محصول ۱۳۲۱ بیشتر نمایان شد، طوری که قیمت هر خروار (۳۰۰ کیلو) گندم به هشتصد و پنجاه ریال رسید و قزوین دچار قحطی و کمی جنس شد (اطلاعات، ش ۴۹۷۳، ۳۰/۵/۱۳۲۱: ص ۴). در چنین شرایطی، عده‌ای از اهالی که از کمبود و گرانی جنس به تنگ آمده بودند، شورش کرده و به دو کامیونی که حبوبات و آرد از کاراژ خورشید قزوین به تهران حمل می‌کردند، هجوم بردند و بارهای آنها را غارت کردند و از آنجا به کارخانه آرد صادقیان رفتند و مقداری آرد جو و گندم بردند. آنها در صبح روز بعد در میدان مرکزی شهر اجتماع کردند و قصد داشتند که بازار و تجارتخانه‌ها را غارت کنند. همین تهدید باعث تعطیلی بازار قزوین شد. تا اینکه در نهایت، با حضور نیروهای امنیه و شهربانی، جمعیت متفرق و آرامش به بازارها بازگشت و قرار شد که دارایی اقتصادی روزانه ۵۰ خروار گندم از قرار خرواری ۴۵۰ ریال به نانوایی‌ها تحویل دهد که آنها نیز نان آن را از قرار سه کیلو، پنج ریال به اهالی بفروشند. البته بعداً این وعده به طور کامل عملی نشد و دارایی اقتصادی ۲۰

مورد سایر کالاها نیز صادق بود طوری که روزنامه اطلاعات تیترو یکی از مطالبش را اینگونه انتخاب کرد: «نرخ‌های قزوین صدی پنجاه از تهران گرانتر است» (اطلاعات، ش ۵۲۳۰، ۱۳۲۲/۵/۳: ۳). هر چند با برداشت محصول ۱۳۲۲ و اطمینان از کافی بودن ذخیره غلات تا خرمن سال بعد و همچنین یارش‌های خوبی که در پاییز آن سال اتفاق افتاد و نوید محصول پربار در خرمن سال بعد را داد، به تدریج قیمت گندم و سایر مواد غذایی تنزل پیدا کرد به طوری که بهای گندم در پاییز ۱۳۲۲ به خرواری ۲۰۰۰ ریال کاهش یافت و قیمت سایر کالاها نیز حدود سی درصد تنزل پیدا کرد (اطلاعات، ش ۵۳۰۸، ۱۳۲۲/۸/۸: ۳؛ اطلاعات، ش ۵۳۱۳، ۱۳۲۲/۸/۱۴: ۳) اما نانواپی‌ها به بهانه اینکه از سابق آرد دارند، یکی دو ماه در مقابل کاهش قیمت نان مقاومت کردند تا اینکه سرانجام در اواخر پاییز و اوایل زمستان ۱۳۲۲ قیمت نان آزاد که روزی به کیلویی ۱۲ تا ۱۵ ریال رسیده بود، به ۸ ریال کاهش پیدا کرد و قیمت گوشت به کیلویی ۳۲ ریال رسید (اطلاعات، ش ۵۳۳۲، ۱۳۲۲/۹/۶: ۴؛ اطلاعات، ش ۵۳۵۸، ۱۳۲۲/۱۰/۸: ۴). البته در این زمان قیمت برخی کالاهای غیرزراعی و وارداتی مانند قند، شکر، چای، روغن، زغال، لاستیک و غیره نه تنها همچنان بالا بود، بلکه در کالایی همچون زغال که در سال ۱۳۲۱ قیمت آن خرواری ۲۰۰ ریال بود، در پاییز یک سال بعد، به حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ ریال افزایش پیدا کرده بود (اطلاعات، ش ۵۲۹۷، ۱۳۲۲/۷/۲۳: ۴). بنابراین می‌توان نوشت حداقل در دو سال اول حضور متفقین در قزوین، قیمت کالاها به شدت گران بود و بعد از آن با افزایش میزان محصولات کشاورزی و رسیدن خبرهایی از جبهه‌های جنگ که نشان از پایان قریب‌الوقوع آن داشت، از شدت تورم و گرانی کاسته شد، اما هنوز تا پایان حضور شوروی‌ها در قزوین، اوضاع به حالت عادی برنگشت.

در طول این دوره اشغال، دولت سعی کرد با جیره‌بندی کالاهای اساسی و توزیع آنها از روی کوپن، با قیمتی ارزانتر از قیمت بازار آزاد، زمینه‌ای را فراهم کند تا همه افراد جامعه بتوانند قسمتی از نیازمندی‌های خود را از این طریق تأمین کنند. بر همین مبنا، از پاییز ۱۳۲۰ توزیع کوپن در قزوین شروع شد تا بعداً از روی آن، کالاهای جیره‌بندی را تحویل دهند. اما از همان ابتدا تخلفات زیادی در امر توزیع کوپن و کالا صورت گرفت و نتیجه دلخواه حاصل نشد. در آبان ۱۳۲۰ دولت مقداری پارچه به عاملین قماش تحویل داد تا به قیمت دولتی بین مردم قزوین بفروشند اما آنها همه پارچه‌ها را بدون اینکه یک متر خرده‌فروشی کنند، به دیگران واگذار کردند و از قزوین خارج نمودند (اطلاعات، ش ۴۷۱۴،

خروار گندم، خرواری ۹۰۰ ریال به نانواپی‌ها داد تا کسری آن را نانواپی‌ها خودشان تهیه کنند و آزادانه به قیمت دلخواه بفروشند (اطلاعات، ش ۴۹۸۴، ۱۳۲۱/۶/۱۱: ۴). احتکار و قاچاق گندم و خواربار و مشکلات ناشی از آن تا زمان برداشت محصول ۱۳۲۲ ادامه داشت تا اینکه با برداشت محصول آن سال که بسیار پربار بود، از میزان آن کاسته شد و در نتیجه فراوانی محصول و تنزل قیمت‌ها، آرامش نسبی به شهر برگشت.

۲-۷. کمبود و گرانی ارزاق عمومی

یکی از اولین و مهمترین پیامدهای اشغال ایران توسط متفقین، کمبود و گرانی شدید ارزاق عمومی بود. با ورود متفقین به ایران، نظام عرضه و تقاضا کاملاً بهم ریخت. از یک طرف به دلیل نقصان در جمع‌آوری محصول ۱۳۲۰، احتکار و قاچاق کالا توسط سودجویان و همچنین خشکسالی، محصولات کمتری به بازار عرضه شد (میلیسپو، ۱۳۷۰: ۸۶) و از طرف دیگر، به خاطر خرید و ذخیره‌سازی کالاها برای چندین ماه از سوی برخی افراد، استفاده نیروهای متفقین و مهاجران لهستانی از کالاهای ایران و خرید و انتقال بخشی از محصول کشور به شوروی، تقاضا به شدت بالا رفت (فرخ، بی‌تا: ۵۰۷ و ۵۱۵-۵۱۶؛ مکی، ۱۳۷۴: ۲۶۷/۸؛ خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۳۷/۴). در نتیجه بازار با کمبود عرضه و افزایش تقاضا روبه‌رو شد که نتیجه‌اش بالا رفتن شدید قیمت‌ها بود. این وضعیت، در قزوین که مستقیماً به اشغال بیگانگان درآمده و به یکی از مراکز اصلی استقرار آنها تبدیل شده بود، کاملاً نمایان بود. در این شهر قیمت خواربار به ویژه گندم، برنج، آرد، روغن و کشمش روز به روز ترقی می‌کرد تا اینکه در بهمن ۱۳۲۰ قیمت آرد به خرواری ۶۵۰ ریال، کشمش ۱۲۵۰ ریال و برنج صدی ۱۳۰۰ ریال رسید (اطلاعات، ش ۴۷۸۹، ۱۳۲۰/۱۱/۱۸: ۱). این گرانی‌ها در سال بعد نیز با شدت بیشتر ادامه یافت طوری که در آبان ۱۳۲۱ قیمت گندم در قزوین به خرواری ۱۴۰۰ ریال و در نیمه اول سال ۱۳۲۲، زمانی که هنوز محصول سال جدید برداشت نشده بود، به ۲۴۰۰ ریال و در مقطع کوتاهی حتی به ۳۲۰۰ ریال رسید و در این مدت نان هم به موازات افزایش قیمت گندم، تا ۱۵ ریال در هر کیلو گران شد (اطلاعات، ش ۵۰۴۳، ۱۳۲۱/۸/۱۳: ۱؛ اطلاعات، ش ۵۲۶۰، ۱۳۲۲/۶/۹: ۴). علاوه بر نان، قیمت سایر اجناس نیز در قزوین به شدت بالا رفت. حتی قیمت میوه‌هایی مانند بادام و انگور که به فراوانی در قزوین برداشت می‌شد، افزایش یافت و بهای برخی میوه‌جات صدی چهل گرانتر از تهران شد (اطلاعات، ش ۵۲۲۶، ۱۳۲۲/۴/۲۹: ۳). البته این وضعیت در

خرداد ۱۳۲۲ آمده است: «حزب توده در هر چند روز یک مرتبه اهالی را با انتشار آگهی دعوت و با سخنرانی‌های خود دولت را ضعیف قلمداد نموده و روحیه یک عده اوباش و ارادل تقویت می‌گردد.» (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۷۰/۴). در حالی که اغلب مباحث حزب توده ادعاهای تبلیغاتی بود؛ زیرا که مأموریت اصلی حزب، حفظ و تقویت منافع شوروی و تضعیف منافع رقبای استعماری آن کشور بود و هر اندازه که از جنگ جهانی پیش می‌رفت و نتایج آن در بعضی جنبه‌ها روشن می‌شد و شکست دشمن مشترک آشکارتر می‌گشت، به همان اندازه بر اختلاف دو رقیب استعماری کمونیست شوروی و سرمایه‌دار غرب در ایران افزوده می‌شد. این اختلافات در تحریرات و تبلیغات افراد حزب توده و طرفداران سید ضیال‌الدین طباطبایی بر ضد یکدیگر کاملاً نمایان بود (ایران در بحران، ۱۳۷۹: ۲۹۳). عبدالصمد کامبخش که با حمایت شوروی‌ها و حزب توده به نمایندگی قزوین در مجلس چهاردهم انتخاب شده بود (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۳: ۱۱۱-۱۱۲)، در سخنرانی‌های خود در مجلس و میتینگ‌های حزب توده در قزوین، از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی برای ایجاد موازنه با انگلیس و «فساد دستگاه دولتی و عدم توجه هیئت حاکمه بالغاء مقررات مضره و محاکمه و مجازات مختلسین و عناصر خائن دوران گذشته» سخن می‌گفت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۷۹). طرفداران حزب توده در قزوین با برگزاری میتینگ‌های چند صد نفره و سخنرانی‌های مهیج، دولت ساعد و مجلس را به اهمال و سستی در امور و مبارزه با ظلم و فساد متهم می‌کردند و چاره کار را در مقاومت و مشارکت مردم می‌دانستند. آنها تا سال‌ها بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، حتی خروج نیروهای شوروی از ایران به فعالیت تفرقه‌آمیز و خائنانه خود ادامه دادند و حتی بعد از قضیه سوءقصد به جان محمدرضا شاه در بهمن ۱۳۲۷ که از فعالیت رسمی حزب جلوگیری شد، به صورت مخفی به فعالیت پرداختند.

نتیجه‌گیری

اشغال قزوین توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم و حضور طولانی مدت آنها در این شهر که از اولین روزهای ورود متفقین به ایران تا ماه‌های بعد از اتمام جنگ به طول انجامید، پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی زیادی را به دنبال داشت. متفقین با خلع سلاح نیروهای شهربانی و ژاندارمری و ایجاد خوف و هراس در دل ساکنان شهر، موجبات ناامنی، قتل، غارت و دزدی را فراهم آوردند. آنها با تصرف ساختمان‌های دولتی و منازل مسکونی و استقرار

یا اینکه در دی ماه همان سال، به دلیل تقلب در کوپن‌های قبلی، کوپن‌های جدیدی در قزوین توزیع شد (اطلاعات، ش ۴۷۶۹، ۱۳۲۰/۱۰/۲۶: ۱). خرید و فروش کوپن، وقفه چندین ماهه در توزیع کالا در برابر کوپن و پایین بودن کیفیت کالاهایی که از طریق کوپن پخش می‌شد، از دیگر مشکلات این طرح بود (اطلاعات، ش ۵۰۴۹، ۱۳۲۱/۸/۱۹: ۱؛ اطلاعات، ش ۵۲۲۱، ۱۳۲۲/۴/۲۲: ۳؛ اطلاعات، ش ۵۳۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۸: ۳). مثلاً در مورد نان، با تقلباتی که نانوایان در فروش نان تحویلی دولت در بازار آزاد و اضافه کردن خاک اره، کاه و حتی شن و ماسه به داخل آرد انجام می‌دادند، کیفیت نان بسیار پایین آمد (اطلاعات، ش ۵۲۵۱، ۱۳۲۲/۵/۳۰: ۳؛ اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۹۲-۲۹۳). روزنامه اطلاعات در مورد کیفیت نان‌های کوپنی قزوین می‌نویسد: «نان‌های کوپنی علاوه بر ناچینی و خرابی آن به قدری خمیر بود که هر کس می‌خورد فوراً مبتلا به دل درد می‌گردید.» (اطلاعات، ش ۵۳۶۲، ۱۳۲۲/۱۰/۱۴: ۴). به همین دلیل، بسیاری از مردم مجبور می‌شدند نان آزاد بخرند و همین موضوع باعث گرانی شدید نان در قزوین می‌شد که گاه قیمت آن برای هر کیلو به ۱۲ تا ۱۵ ریال می‌رسید در حالی که در همان زمان، قیمت نان آزاد در تهران ۶ ریال بود (اطلاعات، ش ۵۲۳۰، ۱۳۲۲/۵/۳: ۳). اما در نهایت، با بهتر شدن محصول ۱۳۲۲ و کاهش قیمت گندم و اقداماتی که کفیل اداره خواربار قزوین انجام داد، از اواخر پاییز آن سال نان‌های کوپنی خوب و فراوان شد و قیمت آن تا کیلویی ۸ ریال پایین آمد (اطلاعات، ش ۵۳۶۲، ۱۳۲۲/۱۰/۱۴: ۴). البته مشکل کمبود و گرانی نان و دیگر ارزاق عمومی تا زمانی که قزوین در اشغال نیروهای متفقین، بخصوص شوروی‌ها بود، با شدت کمتری همچنان ادامه داشت.

۸-۲. حمایت از حزب توده قزوین در جهت پیشبرد منابع شوروی

یکی از نتایج حضور شوروی‌ها در قزوین، تقویت حزب توده بود که فعالیتشان در دوره بعد از خروج نیروهای متفقین از ایران نیز ادامه داشت. این حزب یکی از ارکان اصلی شوروی‌ها در پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود در ایران بود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۱۷). در قزوین که یکی از مراکز اصلی استقرار و فرماندهی شوروی‌ها بود، حزب توده با حمایت مادی و معنوی شوروی، تبلیغات گسترده‌ای را بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی شروع کرده بود و خود را مدافع کارگران، کشاورزان، زنان و توده مردم نشان می‌داد و آنها را به استیفای حقوق خود تشویق می‌کرد! در گزارشی از قزوین در

ساکما، تصرف اراضی کشاورزی توسط نیروهای شوروی و نقل و انتقال سربازان و تسلیحات آن کشور در ایران و ایجاد ناامنی در شهرهای مرزی، ش ۲۹۰/۰۰۸۲۷۰، ۲۹۰/۱/۱۱: ۳۲۴/۱ ص ۶۷.

ساکما، ارسال تسلیحات به شهربانی و ژاندارمری‌های مناطق تحت اشغال نیروهای شوروی با نظارت مأمورین آن کشور، ش ۲۹۰/۰۰۸۲۷۶، ۱۳۲۰/۸/۷: ص ۲۱.

ساکما، مسامحه نظامیان شوروی در تخلیه شهر قزوین، ش ۲۹۳/۰۰۳۴۹۷، ۱۳۲۳/۱۲/۱۷: ص ۲.

ساکما، ملزم ساختن شهرداری و ژاندارمری قزوین توسط فرمانده روسی به منعکس نمودن کلیه سرقت‌های مسلحانه، ش ۲۹۳/۰۰۴۶۱۵، بی‌تا: ص ۳.

ساکما، برگزاری جشنهای سالروز ایجاد ارتش سرخ در قزوین، ش ۲۹۳/۰۰۳۴۸۴، ۱۳۲۳/۱۲/۶: ص ۷.

ساکما، بازرسی منزل رئیس امنیه قزوین توسط نیروهای شوروی، ش ۲۹۳/۰۰۳۵۶۲، ۱۳۲۱/۵/۸: ص ۱۰.

ساکما، صورتجلسه خسارت وارده به دادگستری قزوین در حادثه شهریور ۱۳۲۰، ش ۲۹۳/۱۱۸۰۴۵، ۱۳۲۰/۱۰/۶: ص ۱۰؛ ۱۳۲۰/۱۰/۱۴: ص ۱۲.

ساکما، کنترل مبادی ورودی و خروجی شهرها و بازرسی وسائط نقلیه و مسافرین توسط نیروهای شوروی، ش ۲۹۳/۰۰۳۵۰۲، ۱۳۲۰/۱۲/۹: ص ۱۰.

ساکما، تقاضای پرداخت خسارت به آسیب‌دیدگان وقایع شهریور ۱۳۲۰، ش ۳۱۰/۱۶۶۷۰، ۱۳۲۱/۷/۱۴: ص ۳.

ش ۳۱۰/۰۰۹۹۰۲، ۱۳۲۰/۱۲/۲: ص ۴؛ ۱۳۲۱/۱/۱۸: ص ۵.

ساکما، درخواست تامین نیروی نظامی جهت برقراری امنیت در قزوین و دهات اطراف آن، ش ۳۱۰/۱۶۶۸۳، ۱۳۲۰/۶/۱۶: ص ۱؛ ۱۳۲۰/۷/۱۷: ص ۴؛ ۱۳۲۰/۸/۳: ص ۹؛ ۱۳۲۰/۸/۱۴: ص ۱۲؛ ۱۳۲۰/۸/۱۳: ص ۱۳؛ ۱۳۲۰/۹/۸: ص ۲۴؛ ۱۳۲۰/۹/۱۲: ص ۲۸؛ ۱۳۲۰/۹/۱۹: ص ۳۴؛ ۱۳۲۰/۱۰/۲۷: ص ۴۹.

کتابها

استوارت، ا. ریچارد (۱۳۷۰)، *در آخرین روزهای رضاشاه*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوب و کاوه بیات، چ ۲، تهران: انتشارات معین.

اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳)، *جنگ جهانی در ایران*، ترجمه غلامحسین صالحیار، بی‌جا: نشر سلسله.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۸۹)، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، چ ۴، تهران: خانه کتاب.

ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۲۴-۱۳۱۸ (۱۳۷۱)، به کوشش صفاءالدین تیراثیان، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

سربازانشان در آنجا، مسئولان محلی و مردم را با مشکلات زیادی مواجه ساختند و در آخر به جای پرداخت اجاره‌بها و تشکر از صاحبانشان، ساختمان‌های تخریب شده و بدون در و پنجره و شیشه تحویل دادند. علاوه بر آن، متفقین زمین‌های کشاورزی و منابع آبی اهالی نیز را با تکیه بر قدرت و زور خود مورد تصرف و بهره‌کشی قرار دادند. حضور نیروهای متفقین در قزوین و استفاده آنها از ارزاق عمومی اهالی که با قحطی و خشکسالی طبیعی نیز همراه شده بود، سبب بروز کمبود و گرانی شدید در خواربار شد؛ طوری که قیمت برخی از اجناس از جمله نان تا چندین برابر افزایش یافت و بخش زیادی از مردم قزوین شبها گرسنه خوابیدند. البته سوءاستفاده برخی از محتکران و دلالان و سودجویان نیز که می‌خواستند از وضعیت نابسامان موجود به نفع خود استفاده کنند، در پیچیده و شدیدتر شدن اوضاع بی‌تأثیر نبود. آنها با احتکار و قاچاق ارزاق عمومی به خارج از شهر، موجبات قحطی و گرانی بیشتر را فراهم می‌آوردند. در چنین شرایطی، برخی از مردم به دلیل فقر و بدبختی به روستاهای اطراف مهاجرت کردند و برخی به کارگری برای متفقین روی آوردند و عده‌ای ارادل و اوباش هم که چندان پایبند اخلاق و انصاف نبودند، از راه غارت و دزدی امرار معاش کردند. در کنار همه این مسائل که از پیامدهای حضور اشغالگرانه متفقین بود، تأسیس و تقویت حزب توده از سوی شوروی پیامدهای دنباله‌داری را برای قزوین و ایران به دنبال داشت. حزبی که با حمایت از منافع شوروی در ایران و مخالف با نیروهای انگلیسی و طرفداران سیدضیا، باعث اختلاف و تفرقه در میان مردم شهر شد. در مجموع می‌توان گفت اشغال قزوین توسط متفقین در جنگ جهانی دوم سبب بروز ناامنی، هرج و مرج، قتل، غارت، دزدی، قحطی، گرانی، قاچاق، احتکار، بیماری، اختلاف و درگیری در قزوین و اطراف آن شد. هر چند با اتمام جنگ و خروج متفقین از ایران وضعیت در ظاهر به حالت عادی برگشت، اما برخی از پیامدهای آن همچون تشکیل حزب توده و دخالت‌های آن در امور داخلی و اختلافاتش با گروه‌های دیگر سیاسی همچنان باقی ماند.

منابع و مآخذ

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ورود سربازان شوروی به شهرستانها، ش ۲۹۰/۰۰۴۲۹۸، ۱۳۲۴/۲/۱۷: ص ۸.

ساکما، اعتراض رئیس پادگان شوروی در قزوین نسبت به تغییر فرماندار شهر، ش ۲۹۰/۰۰۳۱۸۴، ۱۳۲۰/۶/۲۱: ص ۴.

میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز.

نشریات

اطلاعات، ش ۴۷۱۴، ۱۳۲۰/۸/۳۰: ۱؛ ش ۴۷۶۹، ۱۳۲۰/۱۰/۲۶: ۱؛ ش ۴۷۲۴، ۱۳۲۰/۹/۱۰: ۱؛ ش ۴۹۰۶، ۱۳۲۱/۳/۲۲: ۱؛ ش ۴۹۵۴، ۱۳۲۱/۵/۹: ۴؛ ش ۴۹۷۳، ۱۳۲۱/۵/۳۰: ۴؛ ش ۴۹۸۴، ۱۳۲۱/۶/۱۱: ۴؛ ش ۴۷۸۹، ۱۳۲۰/۱۱/۱۸: ۱؛ ش ۵۰۳۰، ۱۳۲۱/۷/۲۹: ۱؛ ش ۵۰۴۳، ۱۳۲۱/۸/۱۳: ۱؛ ش ۵۰۴۹، ۱۳۲۱/۸/۱۹: ۱؛ ش ۵۵۳۹، ۱۳۲۳/۵/۲۳: ۴؛ ش ۵۲۲۱، ۱۳۲۲/۴/۲۲: ۳؛ ش ۵۲۲۵، ۱۳۲۲/۴/۲۸: ۳؛ ش ۵۲۲۶، ۱۳۲۲/۴/۲۹: ۳؛ ش ۵۲۳۰، ۱۳۲۲/۵/۳: ۳؛ ش ۵۲۵۱، ۱۳۲۲/۵/۳۰: ۳؛ ش ۵۲۶۰، ۱۳۲۲/۶/۹: ۴؛ ش ۵۲۹۷، ۱۳۲۲/۷/۲۳: ۴؛ ش ۵۳۰۸، ۱۳۲۲/۸/۸: ۳؛ ش ۵۳۱۳، ۱۳۲۲/۸/۱۴: ۳؛ ش ۵۳۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۸: ۳؛ ش ۵۳۳۲، ۱۳۲۲/۹/۶: ۴؛ ش ۵۳۵۸، ۱۳۲۲/۱۰/۸: ۴؛ ش ۵۳۶۲، ۱۳۲۲/۱۰/۱۴: ۴؛ ش ۵۶۲۴، ۱۳۲۳/۹/۴: ۴.

ایران در بحران (مهر ماه ۱۳۲۰ تا شهریور ماه ۱۳۲۶) بر پایه خلاصه اخبار شبانه رایوهای خارجی و گزارش‌های روزانه و خلاصه روزنامه‌ها (۱۳۷۹)، به کوشش کیانوش کیانی هفت لنگ، پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

بولارد، سر ریدر و اسکراین، سر کلارمونت (۱۳۶۳)، *تسترها باید بروند!*، ترجمه حسین ابوترابیان، ج ۲، تهران: نشر نو.

خامه‌ای، انور (۱۳۸۱)، *سال‌های پیرآشوب*، ج ۴، تهران، فرزانه روز.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم*، ج ۲، تهران: پاژنگ.

فرخ، مهدی (بی‌تا)، *خاطرات سیاسی فرخ (معتصم‌السلطنه): شامل تاریخ پنجاه ساله معاصر*، تهران: جاویدان.

گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران (۱۳۸۹)، به کوشش بهروز قطبی، ج ۲، تهران: اطلاعات.

مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، دوره ۱۴، جلسه ۷۹.

مکی، حسین (۱۳۷۴)، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۸، تهران: علمی و فرهنگی.